

کینو-آگورا

میزانسن

Mise en scène

فرانک کسٹر

نویسنده

حسام الدین موسوی ریزی

مترجم

مازیار اسلمی

سرپرست و دبیر مجموعه



فهرست مطالب

۷	مقدمهٔ دبیر مجموعه
۹	میراسس
۱۱	تعاریف
۲۵	مفهوم ساری و راه و روش‌ها
۲۵	تدارک رویداد برای دوربین
۳۱	برعلیهٔ چشم صحنه، یا «ریدگی نی پرده»
۳۴	چرا چیش صحنه؟ یا قدرت تدوین
۳۹	هر چیش رویداد، یا ارکستراکسیون کشش دراماتیک
۴۷	ورای چیش صحنه، یا «میراسس» به مثانهٔ انرژیبانی مؤلف
۶۲	کارکردها
۶۳	حلق یک جهان
۶۹	مفصل بندی رمان و فصای روایی
۷۳	ارائهٔ کشش روایی
۸۲	چه آینده‌ای در انتظار میراسس است؟
۸۸	جمع بندی
۹۱	پی نوشت‌ها
۱۰۱	نمایه

میرانسن

چگونه است که در ۱۹۸۳، درک لاوارت، منتقد فیلم بلژیکی، میرانسن را «ریساترین واژه در توصیف فیلم» می‌خواند،^۱ در حالی که بیست و پنج سال قبل‌تر، در ۱۹۵۸، ژان ژیرو، فرهنگ‌نویس فرانسوی، در فرهنگ اصطلاحات سینمایی‌اش از میرانسن به مثابه واژه‌ای مناقشه‌برانگیز و در کل نامناسب یاد می‌کند.^۲ با راستدلال ژیرو، از آنجایی که این اصطلاح از تئاتر وارد سینما شده بود، مؤید پس‌رمیسه‌ای بود که به کار سینما نمی‌آمد و اصح‌ترین، و البته مقبول‌ترین پاسخ این بود که نگرش لاوارت به میرانسن، بر اساس نظریه مؤلف بود. ساراین، لاوارت آن را پدیداری زیبایی‌شناختی می‌دید، در حالی که ژیرو، نگاه برداشت تحقیرآمیزی از میرانسن داشت؛ زیرا به‌رغم او، از این اصطلاح در اصل برای بحث در مورد تئاتر استفاده شده بود. البته این نگاه تحقیرآمیز، شامل حال آن بحث از مراحل مختلف تولید که ریم‌مجموعه میرانسن بودید، نمی‌شد. ژاک اومون، در مقاله مهمی با دست‌گذاشتن

روی این پارادوکس نشان می‌دهد که میرانس، مفهومی کاملاً سینمایی و در عین حال برآمده از تئاتر است که بیشتر نظریه پردازان سینما از آن به عنوان نقطه مقابل سینما نام برده‌اند.^۳

بنابراین، میرانس را بسته به مفهومی که در بردارد، می‌توان به اشکال مختلف به کار برد. حتی دست‌کم تا حدی، آن را مطابق با همان چیرری استفاده کرد که قرار است به آن ارجاع داده شود برای ژیرو؛ میرانس آشکارا یک اصطلاح توصیفی کمابیش ناحور است و شامل آن دسته از فعالیت‌هایی می‌شود که بخشی از روند تولید فیلم را تشکیل می‌دهند، در حالی که از دید لاوارت، میرانس حائز کیفیتی زیبایی‌شناختی بیهست، کیفیتی که در حقیقت به دوره‌ی معینی ربط پیدا می‌کند. «سحن‌گفتن از میرانس، یعنی سحن‌گفتن از یک پدیدار تاریخی میرانس، اصطلاحی است که از تاریخ نقد فیلم می‌آید؛ میرانس، یعنی راه‌وروشی برای ساحت فیلم (به خصوص در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰)»^۴ پس، به‌منظور ارزیابی نقش عملی میرانس و اهمیت آن به‌عنوان یک مفهوم نظری، باید آن را از معانی مختلفی که در طول تاریخ فیلم بدان نسبت داده شده است، جدا کرد و به‌تتها باید به انواع مفاهیم نظری میرانس، بلکه به همه‌ی آن روش‌های اجرایی‌ای هم پرداخت که به‌صورت عملی در فیلم‌های مختلف اعمال شده‌اند بین پرده‌ی سینما و صحنه‌ی نمایش، بین کارکرد توصیفی و کارکرد القایی، بین فعالیت تولید فیلم و زیبایی‌شناسی و بربین حبه‌های فنی و نظری، میرانس اصطلاحی چندمنظوره است و نمی‌توان آن را به یک معنا و مفهوم واحد فروکاست

تعاریف

سنا به‌گفته‌ی اومون، ظاهراً از واژه‌ی میرانس، نخست در فرانسۀ اوایل قرن نوزدهم استفاده شد. آنگاه مدتی طول کشید تا به‌عنوان اصطلاحی برای برحسته‌سازی و مهم‌بمایدن کار کارگردان تئاتر حایبقت^۵ در فرهنگ اصطلاحات تئاتر آرتور پوگین (چاپ ۱۸۸۵)، میرانس عملاً هرچیرری، مگر دکلمه را شامل می‌شود. میرانس، «هنر آماده و مرتب‌کردن همه‌ی امور و حواب کشش روی صحنه‌ی نمایش است که به‌تتها حرکات فردی و ترکیبی کاراکترهای روی صحنه، بلکه حتی صحنه‌های شلوغ سیاهی‌لشکر - از جمله جماعتی از آدم‌ها، رژه، جنگ و غیره - را ببرد برمی‌گیرد. میرانس، هماهنگی این حرکات و کشش‌ها با دکور، وسایل صحنه، آرایه‌ها و حتی کوچک‌ترین حرئیات را ببرد شامل می‌شود. به‌عبارت دیگر، پوگین فقط دکلمه، یعنی اجرای کلامی متن نمایشنامه را جزء میرانس نمی‌داند؛ یعنی، همان بخش نمایشنامه که پیوند بسیار نزدیک و تنگاتنگی با ادبیات دارد. به‌عقیده‌ی او، هرچیرری دیگری حرئی از میرانس است^۶ اما، در حقیقت می‌توان حدس زد، زمانی که وی روی این فرهنگ لغات کار می‌کرد، فرد مسئول میرانس، نقشی ولو حرئی، در شکل اجرا و بیان دیالوگ‌های متن نبرد داشته است. هرچند این مرزبندی میان میرانس و دکلمه، یا به زبان خود پوگین «سرایش ناب»، به‌نوعی یک تفکیک مصنوعی است، با این حال، مؤید تنابین حبه‌های ادبی و دیداری تئاتر است که در تئاتر فرانسۀ نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم میلادی از اهمیت فراوانی برخوردار بود^۷ از لحاظ سلسله‌مراتب فرهنگی، به‌حوی می‌توان دید